

بازشناسی مفهوم تعامل میدان و باغ‌های سلطنتی (دولتخانه‌های دوره صفویه): بررسی رابطه دوسویه فضای عمومی با قدرت متمرکز*

مهمکامه لوفی - دانش‌آموخته دکتری معماری، گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
منصور سپهری مقدم** - استادیار گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
فرح حبیب - استاد گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Recognition of the Concept of the Interaction between Safavid Square and Royal Gardens "Investigating the Mutual Relationship between Public Space and Centralized Power"

Abstract

Formation of the Safavid Empire can be regarded as a milestone in the relationship between power and space production in Iranian cities. Since, for the first time, we can see the appearance of public spaces in Iranian cities where the main elements of the city were located in their neighborhood and provided a center with political, religious and economic power respectively. At this time, square played a significant role as a gateway to the royal garden; The present research aims at investigating the recognition of the interaction between Square and Royal Gardens (Safavid Royal Court) or rather, recognition of the role of the public space of square in relation to the discourse of centralized power. To find this relationship, it is necessary to analyze and interpret the first rate resources and documents written simultaneously with the formulation of such buildings. Hence, this study is a qualitative and historical research that, using analytical-descriptive method, attempts to find the symbolic function of urban elements in the course of social and political changes of that era. The analytical approach used in this essay for the interpretation of the role of squares is influenced by the arguments of Foucault and Bourdieu as well as Henri Lefebvre's social ideas. Using this approach, we came to know that according to Safavid royal courts, square has conceptually differed from what has been the place of public gathering and people interaction, and has been instead a center for the display of central power and the use of economic and religious powers to strengthen the Safavid dynasty.

Keywords: square; Royal Gardens (Safavid Royal Court); power; public place

چکیده

تشکیل دولت صفوی را می‌توان نقطه عطفی در روابط قدرت و تولید فضا در شهرهای ایرانی برشمرد. چراکه برای اولین بار شاهد حضور میدان‌های عمومی در شهرهای ایران به صورتی بودیم که عناصر اصلی و عمومی شهر در جوار آن قرار گرفته و مرکزی با قدرت سیاسی، مذهبی، اقتصادی در قلب شهر پدیدآورد. در این زمان میدان همچون جلوخانی برای باغ سلطنتی نقش مهمی ایفا می‌کند. هدف اصلی پژوهش حاضر، شناخت چگونگی تعامل میدان و باغ‌های سلطنتی و به عبارتی بازشناسی نقش فضای عمومی میدان در رابطه با گفتمان قدرت متمرکز است. برای یافتن این رابطه لازم است، منابع و اسناد تاریخی درجه اول تحلیل و تفسیر شوند. لذا ماهیت این پژوهش کیفی و تاریخی است و با روش تحلیلی-توصیفی، سعی در یافتن کارکرد نمادین عناصر شهری در جریان تغییرات اجتماعی و سیاسی آن دوران دارد. رویکرد تحلیلی مورد استفاده در تفسیر نقش میدان‌ها در این مقاله با تاسی از مباحث مطرح شده توسط فوکو، بوردیو و نظریات اجتماعی هنری لوفور می‌باشد. این رویکردها سبب گردید تا دریابیم دولتخانه‌های صفوی، میدان را متفاوت از آنچه به معنای محل گردهمایی عمومی و مکان برقراری تعامل میان مردم وجود دارد، تغییر شکل مفهومی داده و از آن به عنوان مرکزی برای نمایش قدرت - مرکزی و استفاده از قدرت‌های اقتصادی و مذهبی برای تقویت حکومت صفوی بهره‌برداری نموده است. واژگان کلیدی: میدان، باغ‌های سلطنتی (دولتخانه‌های صفوی)، قدرت، فضای عمومی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری مهمکامه لوفی با عنوان «بازشناسی و تحلیل عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری میدان و دولتخانه اصفهان در عصر صفوی» است که به راهنمایی دکتر منصور سپهری مقدم و مشاوره دکتر فرح حبیب در دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران انجام پذیرفته است.

** مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۲۱۰۲۵۹۹۰، رایانامه: m-sepehri@srbiau.ac.ir

به گواه تاریخ، معمولاً با سبکی با شکوه و از مصالح ساختمانی مرغوب ساخته شده‌اند. در ورای این شکوه و جلال، حضور حکمرانانی قوی احساس می‌شود، به طوری که ساختمان‌های چنین شهری گویای ویژگی‌های نظام سیاسی حاکم می‌باشند. قالب شدن نیروی سیاسی در توسعه کالبدی شهرها معمولاً با ظهور بافت دوگانه همراه است. چنان‌که بخشی از شهر که توسط نیروی سیاسی احداث می‌شوند و در جهت نشان دادن شکوه و عظمت حکومت می‌باشد، واجد بافت زیبا، محکم و پایدار است (معمدی مهر و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۷۵). سازمان فضایی شهرهای ایران در طول ادوار تاریخی تحت تاثیر عوامل گوناگون به ویژه قدرت سیاسی متمرکز در حاکمیت قرار گرفته است. میدان و دولتخانه‌های صفوی مهمترین نماد و بازتاب شیوه اعمال قدرت در عصر صفوی بوده‌اند. بررسی سیر تحولات فضایی کاخ‌های حکومتی تا دوره صفوی نشانگر سیر تحول در گفتمان قدرت در تاریخ ایران است، تحولی که با گفتمان قدرت-دفاع آغاز می‌شود و در قدرت-سیاست به کمال می‌رسد.

پیشینه تحقیق

مطالعات پیرامون مجموعه میدان و باغ‌های سلطنتی دوره صفوی را به طور کلی می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

گروه اول، مطالعاتی هستند که صرفاً از جنبه توصیفی به تشریح خصوصیات ظاهری اجزای تشکیل دهنده شهر، از جمله میدان و عناصر پیرامون آن پرداخته‌اند. این مطالعات از دیدی صرفاً تاریخی به توصیف آثار و ابنیه دوره صفوی پرداخته‌اند. در این میان می‌توان به آثار مستشرقان و سیاحان اروپایی، به ویژه در قالب سفرنامه‌ها نوشته‌اند. از این جمله می‌توان به سفرنامه پیترو دل‌واله در دوره شاه عباس (دل‌واله، ۱۳۴۸)، سفرنامه شاردن (شاردن، ۱۳۶۲) و سفرنامه انگلبرت کمپفر (کمپفر، ۱۳۶۰) اشاره کرد. این آثار، از نظر اطلاعاتی که در مورد مجموعه میدان و دولتخانه‌های صفوی می‌دهند، از اهمیت بسیار برخوردارند. گروهی از مطالعات هم که از سالهای پایانی دوره قاجار بدین سو موجودند؛ مانند کتاب «نصف جهان فی تعریف الاصفهان» اثر محمد مهدی اصفهانی یا آثار لطف‌الله

تشکیل دولت صفویان در آغاز قرن دهم هجری نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می‌آید. چنان که بسیاری، آن را فصل نوینی هم برای ایران و هم برای تشیع دانسته‌اند. اما بایستی توجه داشت، دوران حیات صفویان که نزدیک به دو قرن و نیم از ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ هجری قمری ادامه داشت، خود نیز شاهد تحولات قابل توجهی بوده و شرایط دولت صفوی از آغاز تا پایان، یکسان نبوده است، به گونه‌ای که طریقت صفوی و فرقه‌های صوفیان قزلباش که نقش مسلم و انکارناپذیری در حیات اجتماعی شهرهای صفوی در اوایل این دوره داشتند، به تدریج جای خود را به نقش بی‌رقیب پادشاه و حاکمیت مطلق او سپردند. الگوهای توسعه شهری صفوی در پایتختهای صفوی در شهرهای تبریز، قزوین و اصفهان دارای شباهتهای زیادی در بکارگیری عناصر ساختاری برای بیان قدرت نمادین و مشروعیت سلطنت هستند. اینکه میدان همچون فضای باز وسیعی به عنوان جلوخان دولتخانه و باغات سلطنتی تعریف می‌شود و اینکه چنین نحوه تولید فضایی چه معانی را در بردارد، هدف پژوهش حاضر است. برای رسیدن به چنین مفاهیمی، برخی از متون و اسناد تاریخی بسیار ارزشمند که تا به حال کمتر مورد توجه محققین نبوده است، مورد تحلیل قرار گرفته است. این متون ما را در فهم رابطه قدرت مطلق و شکل‌گیری باغات سلطنتی یاری می‌نماید. اینکه در این متون و اسناد چگونه باغ و دولتخانه صفوی فراتر از شکل کالبدی در گفتمان قدرت مطلق شاه تفسیر می‌شوند، هدف اصلی پژوهش حاضر است.

مبانی نظری این پژوهش بر پایه نظریات «فوکو، هنری لوفور، بوردیو و داوی» پیرامون رابطه فضای ساخته شده و گفتمان قدرت تبیین می‌گردد. اینکه چگونه فرم‌های ساخته شده معماری به عنوان واسطه‌هایی برای اعمال قدرت عمل می‌کنند. از دیدگاه آنان، شهرهای قدرتمدار، دارای مکان‌های تجلی قدرت و به تعبیری دیگر نمادی از شکوه و جلال حکومت‌ها می‌باشد. قدرت در هر جامعه ای تلاش می‌کند تا محیط، مکان و فضا را تحت کنترل قرار دهد. شهر فضایی است که توسط قدرت مدیریت می‌شود، اگرچه این توده‌های بی‌قدرت اند که در عمل آن را اشغال می‌کنند. شهرهای قدرتمدار

هنرفر، از جمله گنجینه آثار تاریخی اصفهان و آشنایی با اصفهان در این زمهره‌اند.

گروه دوم مطالعاتی هستند که با توجه به اسناد تاریخی و گراورهای سیاحان غربی، سعی در بازسازی مجموعه میدان و دولت‌خانه‌های صفوی در پایتخت‌ها و یا شهرهای مهم همچون اشرف، فرح‌آباد و ساری و یا ارائه الگوهای آنان داشته‌اند. از این گروه می‌توان به مقالات مهوش عالمی تحت عنوان «باغ‌های شاهی اشرف و فرح‌آباد» (Alemi, 1994)، «باغ‌های سلطنتی صفویه در ساری» (Alemi, 1996)، «باغ‌های صفویه: گونه‌ها و الگوها» (Alemi, 1997)، «باغ‌های شاهی عهد صفوی و روابط آنها با شهر» (Alemi, 2005)، «باغ‌های تبریز» (عالمی، ۱۳۹۰) و یا به مقاله «بازخوانی میدان صاحب‌آباد از روی تصاویر شاردن و مطراق‌چی بر اساس متون تاریخی» (حناچی و همکاران، ۱۳۸۵)، «باغ صاحب‌آباد تبریز» (بانی مسعود، ۱۳۸۴) و «طرح پژوهشی سیر تحول سازمان فضایی شهر قزوین» (منصوری و همکاران، ۱۳۹۱) اشاره کرد. برخی از این مطالعات نیز در زمره کاوشهای باستان‌شناسی و از طریق گمانه‌زنی و حفاریها سعی در بازسازی نقشه دولت‌خانه‌های صفوی داشته‌اند. در این نوع مطالعات بر خود «بنا» بعنوان اصلی‌ترین مدرک موجود استناد شده است. از آن جمله می‌توان به مطالعه اوزینو گالدیری در مورد «کاخ عالی‌قاپو» (گالدیری، ۱۳۶۱) و مقاله «طراحی شهری قزوین عصر صفوی و بازار قاجاری» (Wirth 1997) و «گمانه‌زنی در مجموعه صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه» (عمرانی‌پور و همکاران، ۱۳۸۶) اشاره کرد. نتایج حاصل از این مطالعات ارزشمند است، و در این پژوهش در تحلیل ساختار شکلی مجموعه‌های دوره صفوی اهمیت دارند.

گروه سوم، مطالعاتی هستند که رابطه بین اشکال شهری و معانی موجود در آنها را بررسی کرده. این دسته از مطالعات در جستجوی رابطه بین تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و اشکال شهری یا بررسی مکاتب فکری و تاثیر آن در ساخت مجموعه‌های دوره صفوی است. کتاب «از شار تا شهر؛ تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن» (حبیبی، ۱۳۸۰) و پژوهش «مکتب اصفهان در شهرسازی» (اهری، ۱۳۸۰) از جمله این پژوهشها هستند.

رویکرد پژوهش حاضر نیز از نوع سوم است و با این تفاوت که با استناد به تاریخ‌نامه‌ها و متون ادبی درجه یک و رویکردهای استعاری نهفته در آنها در نگرش به باغ‌های صفوی سعی در یافتن رویکردهای مفهومی در رابطه تعاملی میدان و باغهای سلطنتی در دوره صفوی است. در این راستا اسناد تاریخی ارزشمندی که در همان محدوده زمانی شکل‌گیری مجموعه دولتخانه‌های صفوی به نگارش درآمده‌اند مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

روش تحقیق

ماهیت این پژوهش تاریخی و کیفی است، واز روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است. در بخش تاریخی تلاش می‌شود که تنها به تاریخ‌نگاری پراخته نشود، بلکه از طریق تحلیل و تفسیر تاریخی به فضا و زمان تاریخی توجه شود. برای انتخاب نمونه‌ها و طبقه‌بندی آنها از روش توصیفی استفاده خواهد شد و در وهله نخست به توصیف نمونه‌ها براساس اجزا، عناصر یا ویژگی‌های قابل مشاهده آنها پرداخته می‌شود. سپس با بهره بردن از روش تحلیلی از طریق تحلیل متون تاریخی درجه اول کوشش خواهد شد که نتایج اولیه مورد بحث و بررسی قرارگیرد. شیوه گردآوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات از روند خطی تبعیت نخواهد کرد و همزمان از روش تطبیقی یا مقایسه‌ای (قیاسی) و روش استقرایی استفاده می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

ارتباط فضای شهری با شیوه‌های اعمال قدرت

ریشه‌های نظری رابطه تعاملی قدرت و اعمال کنترل در گفتمان فضا را می‌توان در اندیشه‌ها و نظریات اندیشمندانی چون فوکو، بوردیو و لوفور یافت. در دیدگاه‌های میشل فوکو تاکید بر این است که رابطه تعاملی بین متن و زمینه وجود دارد. همچنین رابطه تعاملی و دیالکتیکی بین «گفتمان، قدرت، دانش و حقیقت» وجود دارد. در تحلیل گفتمان، مجموع اوضاع اجتماعی، زمینه وقوع متن، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختارها و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. لوفور نیز فضای اجتماعی را شامل سه بعد

دانسته است؛ (۱) جریان‌های فیزیکی و مادی؛ انتقال‌ها و تعاملاتی که در سرتاسر فضا اتفاق می‌افتد؛ (۲) بازنمایی مفاهیم فضایی فضا، دانش و گفتمان ایجاد شده توسط معمارها، دانشمندان، برنامه‌ریزان و توسعه‌دهندگان که معانی یا امکاناتی را برای اعمال فضایی پیشنهاد می‌کنند؛ (۳) فضای بازنمایی شده که به چنین اعمال مادی اجازه می‌دهند تا فهمیده و درک شوند. لوفور مدعی است که بورژوازی و مخلوق سیاسی آن یعنی حکومت، فضای شهری را تولید کرده و سپس از آن به عنوان مهم‌ترین سلاح ایدئولوژیک قدرت استفاده کرده است (Jacobs, 2008, 26).

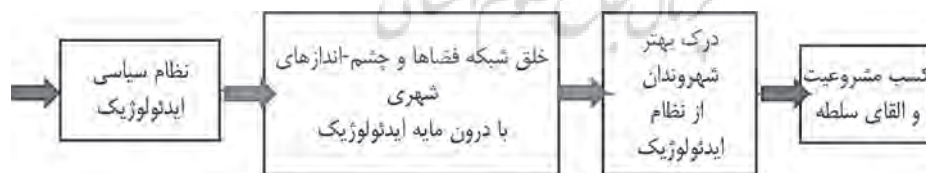
«بورديو» نظام اجتماعی را یک نظام نمادین می‌نامد که سیستم‌هایی از ساختار ذهنی، سیستم‌های طبقاتی یا اصول سلسله مراتبی هستند. این نظام نمادین کارکرد سیاسی خودشان را به انجام می‌رسانند، همانند ابزاری که کمک می‌کند مطمئن شویم که یک طبقه بر طبقات دیگر از طریق بدست آوردن قدرت متمایز خودشان مسلط است (خشونت نمادین) و تضمین‌کننده روابط قدرتی است که آنها زمینه‌سازی کرده‌اند (Geciene, 2002, 118).

کیم داوی، در کتاب «قاب‌بندی مکان: میانجی‌گری قدرت در فرم ساخته شده» تاثیر ابعاد عمده رفتار اجتماعی را بر معماری مطرح کرده است. وی در این کتاب به این موضوع پرداخته است که چگونه فرم‌های ساخته شده معماری به عنوان واسطه‌هایی برای اعمال قدرت عمل می‌کنند و چگونه زندگی ما در اتاق‌ها،

ساختمان‌ها، خیابان‌ها و شهرهایی که در آن ساکن هستیم، شکل می‌گیرد (Dovey, 2002, 19). همواره تمایل قوی برای نشان دادن و اعمال قدرت روی مردم و چشم‌اندازها وجود دارد. این تمایل در هر سیستم سیاسی وجود دارد. قدرت عملاً برای تاثیر روی جنبه‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی نیاز دارد که مادی شده و قابل دید گردد، به طوری که هیچ شخصی در اینکه چه کسی قدرت را در دست دارد، تردید نکند (Czeczynski, 2010, 69).

حکمرانی و فرمانروایی بر چشم‌انداز در هر دو بخش فرم‌ها و کارکرد و به‌ویژه معانی و مفاهیم یکی از اولویت‌های قدرت است. نیاز حکمرانان به نشان دادن حقوق، قدرت، کنترل و به‌همان اندازه برتری و امتیازاتشان، برجسته است و به‌طور معمول در پروژه‌های آنان این نیاز برطرف می‌شود. حک کردن و کنترل مکان‌ها درون قلمرو برای تسلط و سلطه انجام می‌شود (Czeczynski, 47, 2008).

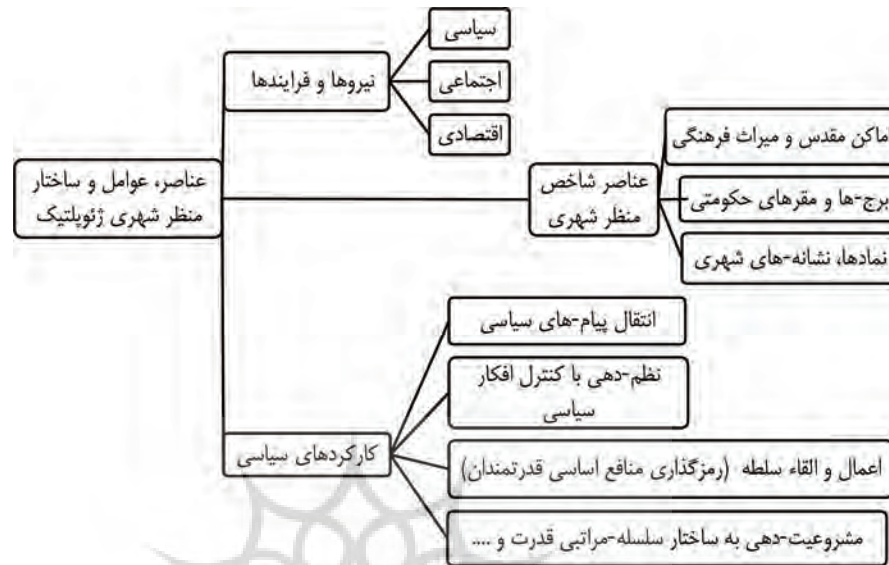
در اینجا هدف عمده سیاست و بازیگران سیاسی در فضای شهر تسلط بر مکانیسم‌ها و ابزار تولید و خلق معانی می‌باشد که هدف غایی آن تعیین هویت فضای شهری در جهت کسب و حفظ منافع و مشروعیت حکمرانی و تعیین کاربری فضا است. اهمیت نیاز به دیده شدن در فضای شهر که برای مشروعیت وجودش و توجیه نحوه عملکردش و تسهیل در اعمال قدرت و اداره جامعه ضروری می‌باشد در نمودار ۱ نشان داده شده است.



نمودار ۱. رابطه نظام سیاسی ایدئولوژیک و خلق فضای شهری؛ ماخذ: خوجم لی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳

مدل مفهومی پژوهش

از لحاظ چارچوب مفهومی، مفهوم ژئوپلیتیک منظر شهر به بحث قدرت و سیاست در فضای شهر می‌پردازد (نمودار ۲).



نمودار ۲. عناصر و ساختار منظر شهری ژئوپلیتیک؛ ماخذ: نگارندگان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

۵۳

مروری تاریخی، باغ‌ها در تعامل با اقامتگاه‌های شاهی

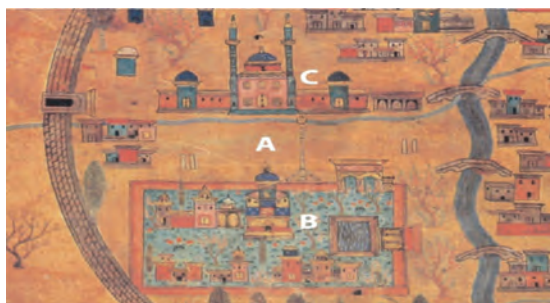
اولین مدارکی که دال بر برپایی باغ‌ها با کارکرد نمادین می‌باشد، مدارک مربوط به باغ‌های آیینی در سرزمین سومر است. متون اساطیری و مذهبی آن دوران تاییدی است بر اهمیت باغها برای برپایی برخی از مراسم آیینی. به تصور بین‌النهرینی‌ها، خدایانشان بی‌میل نبودند که در گوشه‌های مهیا شده در این نوع باغ‌ها، به تفرج بپردازند، این باغ‌ها باغ‌های معابد نام داشتند. در قرون بعد از آن کاخ-باغ‌های بابل نشان از از برپایی باغ به مثابه تفرج‌گاه‌های سلطنتی بوده‌اند. متون مربوط به آشور میانه نیز از توجه شاه به باغ‌ها و باغداری حکایت دارند. بنا بر نظر استروناخ این باغ‌ها به عنوان خلوتگاه مورد علاقه شاه توصیف شده‌اند. همچنین می‌توان به باغ‌های شاهانه‌ای اشاره کرد که یکی از وجوه مشخصه اورشلیم در اوایل هزاره اول ق.م بودند و یا باغ‌های شاهانه‌ای که آشوریان در سرزمین اورارتو دیدند (استروناخ، ۱۳۸۲، صص ۵۵-۵۶). در سالهای حکومت سارگن و جانشینان او بود که آشوریان، نقش مهم خود را به عنوان پدید آورندگان بی‌رقیب باغ‌های یادمانی

در این رویکرد ماهیت چشم‌انداز تنها یک منظره خنثی نبوده و همانند یک متن قابل خوانش است و دارای معانی هدفدار می‌باشد و از خاصیت ابزار- رسانه‌ای برخوردار است. همچنین به نیروها و عوامل متنوعی چون بازیگران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و گفتمان‌هایشان می‌پردازد که در سطوح مختلف در شکل‌گیری منظر شهری دخالت دارند و طیف وسیعی از عوامل و عناصر را شامل می‌گردد. به انواع مختلف نشانه‌ها و نمادهای حاضر در منظرهای شهری چون میدان‌ها، بناها، مقابر و برج‌های یادبود، مجسمه‌ها و آیکونها و نقاشی‌های دیواری می‌پردازد که چگونه توسط بازیگران شهری و سیاستمداران در راستای اهداف آنها ساخته شده یا حذف می‌شوند و از کارکردهای وسیع سیاسی برخوردار می‌باشند (ماخذ: خوجم لی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

سوال تحقیق: بر اساس این مدل مفهومی، سوال اینجاست که میدان علاوه بر کارکرد ورودی و جلوخان کاخ صفوی، متضمن چه مفاهیمی در ارتباط با گفتمان قدرت است؟

در خاور نزدیک، به دست آوردند. سارگن در متون خود، بلافاصله پس از اشاره به نام شهر جدید خویش (خرس آباد)، به «درختستانی» اشاره می‌کند که در گوشه‌ای از شهر ایجاد شده است. تصویر این تفرجگاه برون شهری در یکی از نقش برجسته‌های آشوری، به چشم می‌خورد که یک نیایشگاه محصور را بالای تپه‌ای احتمالاً مصنوعی و پردرخت، نشان می‌دهد. در کنار تپه، کوشکی با ایوانی ستوندار در کنار مجرای آب دیده می‌شود. در راستای تحولات و پیشرفتهای به دست آمده از دوره سلطنت سارگن دوم به بعد است که در کتیبه‌های آشوری، واژه قدیمی باغ «کیرو» ، جای خود را به اصطلاح جدید «کیریماهو» می‌دهد تا نوع جدیدی از تفرجگاه سلطنتی یا باغی را که با کاخ مرتبط است، توصیف کند. این نوع باغ در اواخر قرن هشتم ق.م اهمیت زیادی یافت و علاوه بر این، چند سال بعد، برخی کتیبه‌ها به نوعی سازه اشاره می‌کنند که «بیتانو» یا خانه کوچک خوانده می‌شود و احتمالاً نوعی آلاچیق کوچک واقع در باغ یا خانه بیلاقی بوده است که تصویر آن در تفرجگاه سلطنتی سارگن به چشم می‌خورد. آنچه در این متون یا تصاویر نقش شده حائز اهمیت است، وقوف سارگن و جانشینان او بر باغ به عنوان «نماد والای سلطنت» و مکمل قراردادن کوشک برای باغ می‌باشد. در دوره هخامنشیان، کوروش نیز در جریان برپایی پایتخت یادمانی، باغی را در برنامه ساختمانی خود گنجانده. اگر باغ‌های سلطنتی آشور و بابل، همواره به عنوان بخشی مجزا یا مکمل برای کاخ بوده‌اند، کاخهای کوروش با ایوانهای طویل و فضای باز اطراف خود، به عنوان بخش مکمل طرح به کار رفته‌اند تا این بار، خود باغ به صورت اقامتگاه [نه صرفاً تفرجگاه] سلطنتی، در-می‌آید. کوروش بر آن بود که باغ مظهر پیوند و رابطه بین «آیین‌های سرزمینی» و «سلطنت» باشد. او ضمن ایجاد باغ اندرونی همراه با کاخ (کوشک) اصلی و بناهای مجاور، اورنگ و تخت سلطنتی خود را در قسمت سنگی ایوان طویل کاخ قراردادده که درعین حال، از محور باغ اندرونی نیز پیروی می‌کند. در این راستا، همچنین، کوشش شده که کاخ، از چشم

انداز مرکزی باغ، هرچه بیشتر بهره‌مند باشد (همان، صص ۵۹-۶۲). پس از اسلام، باغ‌سازی ایرانی در ادامه سنت باغ‌سازی کوروش تکامل یافتند. قدیمی‌ترین توصیف از چهار باغ و نحوه طرح‌ریزی آن در کتاب «ارشاد الزراعه» ابوالقاسم یوسف هروی مربوط به قرن نهم ه.ق. است (هروی، ۱۳۴۶، صص ۲-۲۸۱). تیموریان این طرح را مانند بسیاری از جلوه‌های حیات فرهنگی و هنری ایران رایج کردند و این چنین اصطلاح چهارباغ را متداول کردند (اوا سابتلی، ۱۳۸۷، ص ۲۰). «ویلبر» در کتاب خود بیان داشته باغ‌های شاهی در سمرقند و هرات تاثیر و نفوذ فراوانی در هنر باغ‌سازی در سایر مناطق و همچنین ادوار بعدی داشته‌اند (ویلبر، ۱۳۸۴، ص ۷۱). اصلاح باغ، به صورتی که در منابع تیموری به کار رفته، اغلب به املاک مشجر مجللی اطلاق می‌شود که شاهزادگان تیموری و دیگر اشخاص متمکن به صورت اقامتگاه خود از آنها استفاده می‌کردند (ویلبر و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۲۳۹). باغ دلگشا، باغ شمال، گل باغ، باغ نو، باغ میدان، باغ چنار، باغ نقش-جهان، باغ بلند و باغ جهان‌نما، باغ دولدی، باغ نوروزی و محمد تورخان مربوط به این زمان است (ویلبر ۱۳۸۴، ص ۲۴۰). بنا بر توصیفات «کلاویخو» این باغها فضاهای مشجر و مشتمل بر کاخ‌ها و کوشک‌ها و خیابان‌ها و جوی‌ها بودند. تیمور در اطراف سمرقند به عنوان پایتخت خود حلقه‌ای از باغ‌های سلطنتی احداث کرد. ولی این باغ‌ها در نظام هندسی که شهر را تعریف کند و سیستم ارتباطات منظمی داشته-باشد، تعریف نشده بود (انصاری، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰) و تفاوت عمده آن با باغ‌سازی صفویان در این است که هیچ طرح جامع کلی در پلان قرون وسطایی سمرقند دیده نمی‌شود. اگر چه تک‌تک باغ‌ها به سبک هندسی باغ ایرانی طراحی شده بودند، اما ارتباط آنها با یکدیگر و با مجموع شهر کاملاً اتفاقی شکل-گرفته‌است. این درحالی است که در دوره صفوی باغ‌ها خود در طرح توسعه شهری و به‌عنوان مدولی برای توسعه شهرنو در جوار شهرکهن نقش اساسی ایفا می‌نمودند. صفویان در جریان برپایی پایتخت‌های خود در شهرهای تبریز، قزوین و اصفهان، از



تصویر ۲. مجموعه میدان و باغ سلطنتی (دولتخانه صفوی)؛ مأخذ: مطراق چی، ۱۳۷۹؛ راهنما: (A) میدان صاحب آباد، (B) باغ سلطنتی (دولتخانه شاهی)، (C) مسجد حسن پادشاه (مجموعه نصریه).



تصویر ۳. باغ سلطنتی (دولتخانه قدیم) و باغ مزارهای صوفیان در حوالی آن؛ مأخذ: مطراق چی، ۱۳۷۹؛ راهنما: (D) دولتخانه قدیم (باغ بیگم) در محله ششگلان، (E) مقابر عرفا و صوفیان (F) خانه‌های درباریان از جمله بهرام میرزا و یوسف بیگ.

جهانگردان زیادی در دوران مختلف از این باغ و میدان تاریخی دیدار کرده‌اند و نوشته‌هایی نیز از آنها برجای مانده است، ولی تنها دو تن از آنها تصویری کلی از تبریز تهیه کرده‌اند که به عبارتی قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود از تبریز می‌باشد. یکی از این اسناد مینیاتوری است ترسیم شده از شهر تبریز در دوران حکومت آق‌قویونلوها، که توسط نضوح مطراق‌چی، در کتاب «بیان منازل» به تصویر کشیده شده است (مطراق‌چی، ۱۳۷۹، ص ۹). نقشه مینیاتور مطراق‌چی تنها سند موجودی است که نحوه قرارگیری و حدود ابعاد باغ و میدان مذکور را نشان می‌دهد (تصویر ۱). مطراق‌چی شهر را از زاویه شمال غربی می‌نگرد. رودخانه به صورت خطی عمودی با پیچ و خم، و پنج پل روی آن و یک پل در خارج شهر کشیده شده است. در سمت چپ رودخانه که تقریباً ساحل شمالی آن است، میدان بزرگی قرار

میدان و خیابان به‌عنوان فضاهای جدید شهری به‌عنوان جلوخان اقامتگاهها یا باغ‌های سلطنتی استفاده نمودند. برپایی فضای عمومی در جوار باغ سلطنتی حائز اهمیت است و در نمونه‌های بررسی شده، سعی می‌گردد چرایی همجواری و تعامل آنها را دنبال نمود. در این رابطه مطالعه متون تاریخی همزمان با احداث این مجموعه‌های شهری اهمیت ویژه دارد و می‌تواند نحوه نگرش بانیان آنرا روشن سازد.

نمونه‌های پژوهش و تحلیل متون تاریخی مجموعه باغ و میدان صاحب آباد تبریز

مجموعه باغ و میدان صاحب آباد که بقایای آن امروز به نام مجموعه صاحب‌الامر معروف گشته است، مدت چهار قرن مرکز حکومت ایران و مقر فرماندهی پادشاهانی چون جهانشاه، اوزون حسن، شاه اسماعیل و شاه طهماسب بوده است. شروع ساخت این مجموعه به دوره آباقخان (ایلخان مغول) در زمان صدرات شیخ محمدجوینی، وزیرکبیر وی بر می‌گردد. با ساخته شدن این مجموعه روند گسترش شهر تبریز به سمت شمال رودخانه مهران رود کشیده می‌شود. بعدها در دوره جهانشاه دارالحکومه از محله ششگلان به این مجموعه انتقال می‌یابد و تا زمان شاه طهماسب که پایتخت از تبریز به قزوین انتقال داده شد، مقر حکومت صفویان بوده است (حناچی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۵).



تصویر ۱. نقشه تبریز از نضوح مطراق‌چی؛ مأخذ: مطراق‌چی، ۱۳۷۹

دارد. میل‌های چوگان و قیق‌اندازی نشان می‌دهد که این میدان (A)، فضایی سلطنتی برای نمایش این مراسم است. به این ترتیب باغ بزرگی که در غرب آن قرار دارد می‌باید باغ سلطنتی باشد (B). در طرف مقابل مطراق‌چی مسجدی را با دو مناره نشان می‌دهد (C) و بناهای دیگری جبهه شمالی میدان را تعریف می‌کنند (تصویر ۲). در شرق این مجموعه باغ، نزدیک دیوار شرقی شهر، باغ بزرگ دیگری است که در جلویش ویرانه برجی قرار گرفته است. این باغ همان دولتخانه قدیم در محله ششکلان است (تصویر ۳). مطراق‌چی شماری از مزارها را به شکل گنبد‌های رک که از لابلای درختان دیده می‌شوند (E)، در شمال‌غربی دولتخانه قدیم که به باغ بیگم شهرت داشت (D)، نشان می‌دهد (تصویر ۳).

این مزارها با تکیه‌های درویش، و مزارهای متعدد دیگری مربوط به بابامزید و پیروانش مطابقت دارد که در امتداد راهی است که به گورستان سیدحمزه و مقبره باباحسن می‌رسد (عالمی، ۱۳۹۰، صص ۹۸-۱۰۰). رابطه باغ مزار صوفیان با باغ سلطنتی و در جوار میدان، کارکردی نمادین به میدان می‌بخشد. دیوار شهر به صورت نمادین با چهار دروازه گشوده شده است و در حول آن درختانی به چشم می‌خورند. درختان متعددی نیز هسته مرکزی شهر را احاطه کرده‌اند. در ساحل جنوبی رودخانه، مزارها و مساجد متعددی با مناره‌هایشان و درختان زیادی پیرامون آنها به چشم می‌خورند. باغ-مزارهای متعددی که در نقشه مطراق‌چی دیده می‌شوند، نشان از اهمیت برپایی باغ‌ها به عنوان فضاهای مهم شهری در ارتباط با درویشان و تفکر صوفیه در دوران صوفیه در تبریز را نشان می‌دهد.

تحلیل متون ادبی و تاریخی در رابطه با تبریز عصر صفوی؛ رابطه باور معنوی و قدرت

بیشتر منابع تنها به باغ‌های سلطنتی و محل آنها اشاره می‌کنند، اما منبع جالبی که روضات الجنان نام دارد و توسط حافظ حسین کربلایی نوشته شده و درباره مزارهای صوفیان، عالمان، حکیمان، وزیران، امیران، شاعران، خوشنویسان و نقاش‌ها می‌باشد، شاهدی بر اهمیت صوفیه در رابطه با

سلطنت و باور عمومی است. مهوش عالمی در پژوهش ارزشمندی با مطالعه این منبع همراه با مطالعه متون دیگر فارسی و سفرنامه‌های سیاحان اروپایی، و تطبیق آنها با قدیمی‌ترین اسناد تصویری موجود، علاوه بر مکان‌یابی دقیق ابنیه آن دوران، محل باغ مزارهای درویش و باغ‌هایی که در تبریز دوران صفوی در اطراف کاخ‌ها و یا در حیات خانه‌ها، کاروان‌سراها و مساجد قرار داشته‌است را نیز مشخص کرده است (عالمی، ۱۳۹۰، صص ۹۶-۱۱۴).

علاوه بر «روضات الجنان»، روایت‌هایی در تاریخ‌نامه‌های دوره صفوی وجود دارد، که اهمیت رابطه باور معنوی و برحق بودن قدرت را در آن زمان نشان می‌دهد؛ داستانی که در فتح باب تاریخ‌نامه‌ای منصوب به صوفی ناشناس در رابطه با پیش‌بینی به تخت و تاج رسیدن پادشاه صفوی، شاه اسماعیل نوشته‌شده نیز بیانگر این موضوع است: «درویشی در قسطنطنیه به نام دادا محمد، به یکی از پیروانش که به مکه می‌رفت گفت که وی از آنجا به تبریز خواهدرفت و پیش‌بینی کرد که در روز ورود او به تبریز یکی از فرزندان امامان، شاه خواهدشد، سکه به نام او زده می‌شود و به نام او خطبه خوانده خواهدشد و شاه درمیدان چوگان بازی خواهدکرد» (مولف گمنام، عالم آرای صفوی، ۱۳۶۳، ص ۴۵).

فتح باب تاریخ‌نامه با چنین پیش‌بینی حاکی از اجتناب‌ناپذیری و برحق بودن قدرت شاه است. میدانی که در پیش‌بینی درویش آمده‌است درنگاره نصوح مطراق‌چی هم با مشخصات میدان چوگان به تصویر کشیده شده است (تصویر ۲). باغ-مزارهای متعددی که در نقشه مطراق‌چی دیده می‌شوند، اهمیت ارتباط درویشان و تفکر صوفیه را در دوران صوفیه نشان می‌دهد (عالمی، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

در روایت‌های متعددی در «روضات الجنان» اهمیت ساخت ابنیه سلطنتی در جوار باغ‌مزارهای صوفیان تأیید می‌گردد، به گفته نویسنده روضات الجنان، زمانی که حسن پادشاه آق قویونلو (۱۴۷۷-۱۴۷۳م) به تخت نشست، بیمار شد و آرزوی خود را مبنی بر ساخت مسجد، خانقاه، زاویه و مقبره‌ایی برای دوستش، درویش قاسم، بر زبان راند. به این

ترتیب پس از مرگش این بناها که به «نصریه» معروف شد، در همان منطقه توسط پسرش یعقوب ساخته شد و در سال ۸۸۸.ه.ق (۱۴۸۳م) کاخ «هشت بهشت» را به باغ صاحب آباد اضافه کرد (کربلایی، ۱۳۳۵، جلد ۱، ص ۹۱). زمانی که شاه اسماعیل الوند شاه آق قویونلو را شکست داد، در این کاخ تاجگذاری کرد و سلسله شاهان صفوی را در سال ۱۵۰۱م بنیاد نهاد و در میدان صاحب آباد چوگان باخت، همان گونه که دادا محمد درویش پیش‌بینی کرده بود.

بنا بر روایت کربلایی، حسن پادشاه، باغ سلطنتی (دولتخانه قدیم) در محله ششکلان را به درویشی به نام عبدالرحمن که با نیروی فراطبیعی خود، به تخت رسیدن او را پیش‌بینی کرده بود هدیه کرد. بابا و پیروانش در آنجا دفن شدند (همان، ص ۴۷۰) و برج ویرانه مقابل باغ می‌تواند مقبره وی باشد (تصویر ۳). در سنت عرفانی، مقابر، مکان‌های مهمی هستند که جایگاه دیدار با جهان دیگر محسوب می‌شوند. حسن پادشاه بناهای نصریه را پس از آن که بابا فرج، شیبی که شاه مقبره‌اش را زیارت می‌کرد بر او ظاهر شد بنا نهاد (همان، ص ۳۸۱).

در توصیفات سیاحان اروپایی نیز به رابطه پادشاه با حلقه صوفیان و احداث باغها در جوار مزارهای صوفیان توسط پادشاهان اشاره شده است. «جملی کاری» به یک باغ بزرگ مربع شکلی با انواع درختان اشاره می‌کند (کاری، ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۳). تاریخ‌نامه‌ها این باغ را با نام باغ زاویه می‌خوانند که توسط حسن پادشاه ساخته شده و در نزدیکی بازار شتریان قرار دارد و در پشت آن مقبره پیر رومی واقع شده که مزار صوفی‌ای از سرزمین عثمانی است. درختان میوه‌ایی که توسط مطراق‌چی در این قسمت ترسیم شده‌اند، باغهای میوه‌ایی است که این مقبره‌ها در میان آنها واقع شده است. «میکائیل ممبره» به خانه بهرام میرزا، برادر شاه طهماسب، در شرق میدان اشاره می‌کند که می‌توان در نقشه مطراق‌چی (تصویر ۳) آن را در گروه خانه‌هایی دانست که نزدیک بنای گنبدی واقع شده‌اند (F). گفته می‌شود بهرام میرزا پس از خوابی که دیده بود، به مرمت این مسجد دست یازیده است (عالمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

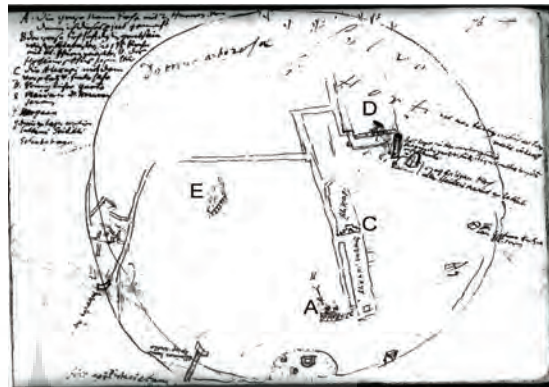
توصیفات زیادی هستند که میدان تبریز را بعنوان فضایی سلطنتی برای نمایش قدرت نشان می‌دهد. بنا بر قول فرانچسکو رومانو، شاه اسماعیل در سال ۹۰۶.ه.ق یا ۱۵۰۱م عمارت هشت‌بهشت تاجگذاری و شاه در حضور سه هزار تماشاچی قاپاق‌اندازی می‌کند. او والی گیلان را بین دو مناره مسجد حسن پادشاه آویخت و آتش زد. شاه طهماسب نیز زمانی که همایون برای حمایت نزد او آمد با او به تماشای چوگان در میدان پرداخت (قمی، ۱۳۶۷، ص ۸۵).

در پژوهش دیگری با نام تاثیر مزارات در توسعه ساختار شهر تبریز از دوره ایلخانی تا صفوی، محقق به مکان‌یابی مزارات صوفیان، عرفا، شاعران و حظیره‌ها از طریق متون و اسناد تاریخی همچون روضات الجنان، روضه‌الظهار، اولادالاطهار و منظرالاولیا پرداخته‌است. در واقع زوایا و خانقاه‌ها و باغ مزارهای صوفیان باعث پدید آمدن فضاهای معماری جدیدی گشته‌است که نقش مهمی در توسعه شهر تبریز در دوره حکومت ایلخانان، آق قویونلوها و پس از آن صفویان داشته‌اند. تجمع حظیره‌ها و آرامگاههای عرفا و صوفیان منجر به شکل‌گیری گورستانهای معروفی همچون سرخاب، گجیل و چرنداب شده‌اند (بلیلان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۵).

در واقع گورستان سرخاب، سیدحمزه، مقبره باباحسن، مقبره بابامزید نیز همان مکانی است که باغ‌های سلطنتی و دولتخانه‌های شاهی در جوار آنها شکل گرفته‌اند و نشان‌دهنده اهمیت رابطه سلطنت و باور صوفیان است.

مجموع میدان و دولتخانه قزوین (باغ سعادت آباد)
مطالعه چگونگی توسعه شهر قزوین، به‌عنوان نمادی از سیاستهای شهری شاهان صفوی در برپا کردن دولتخانه در شهرها، اهمیتی ویژه دارد و از طریق آن می‌توان به مطالعه رابطه بین باغهای شاهی و شکل-شهری پرداخت و چگونگی اعمال مولفه‌های قدرت بر ساختار توسعه شهر بررسی نمود. در سال ۹۵۱ ق، شاه طهماسب صفوی بر آن می‌شود که پایتخت خود را از تبریز به قزوین انتقال دهد. از جمله عوامل این تصمیم پیشرفت عثمانی‌ها تا وان در نزدیکی تبریز بود

(ترکمان، ۱۳۸۲، ص ۹۵) و همچنین نقش مهمی که قزوین در سیاست مذهبی شاه داشت؛ زیرا قزوین مرکز مذهب تسنن بود و هدف شاه ترویج مذهب شیعه و سرکوبی صوفیان بود (نویسی، ۱۹۷۴، ص ۳۰).

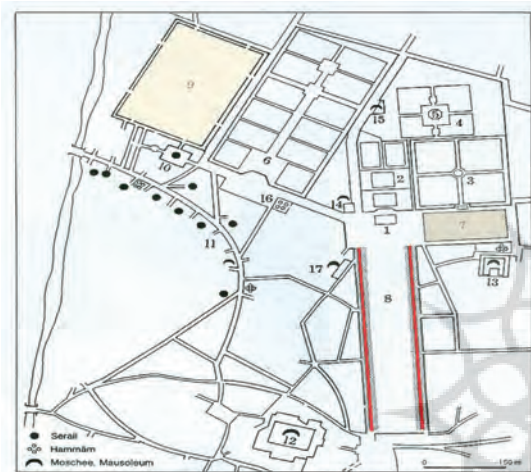


تصویر ۴: نقشه قزوین در سال ۱۶۸۴م توسط انگلبرت کمپفر؛ مأخذ: Alemi2005؛ (A) مسجد جامع کبیر، (B) شاهزاده حسین و قبرستان آن، (C) سردر عالی قاپو که جلوخانی در پیش دارد، (D) باغ شاهی و میدان اسب در شمال مسجد حیدریه، (E) میدان سعادت و کاروانسرای مجاور آن. در بخش شمال غربی شهر «خانه‌های مشجر» متعلق به اشراف و در بخش شمال شرقی باغات و درختستان نوشته شده است.

به دنبال این تصمیم فعالیت‌های ساختمانی متعددی آغاز شد که سوی دولتخانه جدید، باغ‌های شاهی و خانه‌های امرا، شامل مساجد، مدارس، کاروانسراها، حمامها و آب‌انبارهای متعدد بود. بخش طهماسبی که به شهر اضافه شد سیمای قزوین را از بن تغییر داد (Alemi, 2009). قدیمی‌ترین نقشه قزوین عصر صفوی نقشه‌ای از کمپفر است که حدود شهر را بصورت دایره‌وار نشان می‌دهد.

بنا به نوشته عبدی بیگ، بخش طهماسبی «شهری اندر جنب قزوین بود» که به «دارالسلطنه جعفرآباد» موسوم شد. شاه زمین دولتخانه را که در زنگی آباد در شمال قزوین سلجوقی بود، از میرزا شرف جهان پسر نورالهادی قاضی جهان وزیر خود خریداری کرد. وی مهندسان دانشور و بنایان صاحب هنر ممالک محروسه را بدان جا طلب نموده، طرح باغی مربع فرمود موسوم به باغ سعادت و در میان آن باغ، عمارات عالی و

تالارهای متعالی و ایوانها و حوضها طرح انداخت و دروازه آن را به غایت مرتفع و عالی بنا نهاده و عرصه باغ را به طریق هندسه به گذرهای مربع و چمنهای مثلث و مسدس بخش کرده، در میان خیابان آن نهری عظیم جاری گردانید و در حواشی آن اشجار چنار و سفیدار نشانده و در مربعهای اطرافش اشجار گل و یاسمن و ارغوان و نارون و سایر درختان میوه‌دار آراست (قمی، ۱۳۶۷، ص ۳۱۲).



تصویر ۵: نقشه بازسازی مجموعه سعادت آباد قزوین؛ مأخذ: Wirth, ۱۹۹۷، ۱- عالی‌قاپو یا درگاه دولتخانه، ۲- دیوان‌خانه، ۳- عمارت اندرونی و باغچه حرم، ۴- دولتخانه، ۵- کاخ چهل‌ستون، ۶- کاخها و باغهای درباریان، ۷- میدان اسب، ۸- خیابان، ۹- میدان سعادت، ۱۰- کاروانسرای شاهی، ۱۱- بازار قدیم، ۱۲- مسجد شاه یا مسجد جامع، ۱۳- مسجد حیدریه، ۱۴- مسجد پنجه‌علی، ۱۵- امامزاده پیغمبریه، ۱۶- حمام حاج کریم، ۱۷- امامزاده اسماعیل

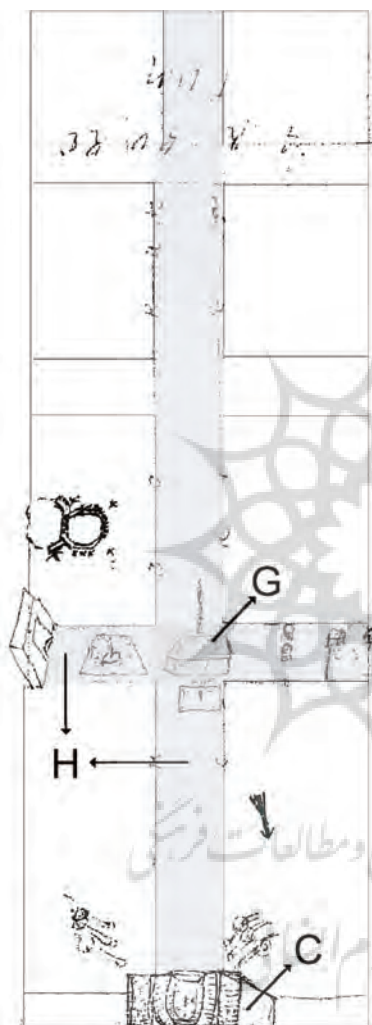
اویگن ویرت (Wirth, 1997) طرح بازسازی بخش طهماسبی را بصورت نقشه‌ای ارائه کرده است که شامل دولتخانه، باغات و خانه‌های درباریان، مسجد و بازار است. این عناصر پیرامون فضاهای شهری خیابان (شماره ۸) و دو میدان (شماره ۷ و ۹) سازمان یافته‌اند (تصویر ۵).

تحلیل متون ادبی و رویکرد استعاره‌ی آنها در بیان مشروعیت قدرت شاه؛ توصیف باغ شاهی به مثابه عالم صغیر

طولانی‌ترین توصیف موجود از باغ شهر ساخته شده توسط شاه طهماسب، خمسه‌ای است به قلم عبدی بیگ ملقب به نویدی در وصف باغ‌هایی که شاه طهماسب در قزوین ساخت. این منبع تاریخی مهمترین منبع ادبی درجه اول است که سراسر استعاراتی ادبی مبنی بر مشروعیت قدرت و سلطنت شاه صوفی همچون سایه خدا بر زمین است. نویدی در یکی از نخستین اشعارش، اقدامات اسکندر بزرگ را توصیف کرده و از جمله در باب اهمیت صلح و ایجاد شهرها و بناها تاکید می‌کند. تاکید شاعر بر این مضامین با حملات متعدد عثمانی‌ها به تبریز و تصمیم شاه برای انتقال پایتخت به قزوین در سال ۹۵۳ ه.ق (۱۵۴۷م) مرتبط بود. همچنین گزینش پایتختی امن از هدف شاه طهماسب در گسترش مذهب شیعه بود، چرا که قزوین در آن زمان شهری کاملاً سنی مذهب محسوب می‌شد. بخش الحاق شده به قزوین، بناها و باغ‌های اقامتگاه شاه و درباریانش بود. این باغستان به جعفرآباد موسوم گشت (Alemi, 2009). نویدی در وصف آن خمسه‌ایی به نام جنات عدن سرود که در سال ۹۵۱ ه.ق/۱۵۴۴م پایان یافت.

به نام آن شهر عالی جعفر آباد- که شاه جعفری افکنده بنیاد (نویدی، ۱۹۷۴، ص ۹۹). نویدی در توصیف باغها از اسامی متعدد بهره می‌گیرد. در توصیف باغ‌های سلطنتی از واژه‌های و صفات متفاوتی مثل روضه، بوستان، گلشن و گلزار، گلستان و فردوس بهره می‌جوید. به نظرمی‌رسد استفاده از این واژگان بازتابی است از دیدگاه‌های متفاوتی که به باغ نگریسته می‌شود. در توصیف او از باغ‌های شاهی می‌توان پی برد؛ شاعر و رای کالبد دقیق فیزیکی به باغ می‌نگرد و با طرح آن از دیدگاه استعاره‌ی برخوردار می‌کند و سعی شاعر فراتر از توضیح طرح باغ، یکسره بر آن است که باغ را به مثابه عالم صغیر و شاه را سایه‌ای از خدا در این عالم معرفی کند. او سطح باغ را به مثابه صفحه کتاب شعر می‌آورد و واژه جدول را به معنای جوی‌های باغ و جدول زینت

بخش حاشیه کتاب و شاه را خالق آن می‌آورد. صفحه نظم‌ی ست بسی دلپسند- ناظم آن طبع شه ارجمند
جدول این صفحه فرخنده فال- چار طرف جوی پر آب زلال (همان، ص ۳۵).



تصویر ۶. نقشه خیابان باغ پشت عالی قاپوی قزوین (C)، عمارت شروانی سرای (G) در محل تقاطع دو خیابان عمود بر هم (H)؛ ترسیم انگلبرت کمپفر؛ مأخذ: Alemi2005,

نقشه انگلبرت کمپفر، از باغ سلطنتی «پشت عالی قاپو» (تصویر ۶)، خیابانی را نشان می‌دهد که از سردر عایق‌قاپو تا عمارتی با حوض‌ها و فواره‌هایش ادامه دارد؛ خیابانی شرقی- غربی عمود بر آن هم در سمت غرب به درگاهی رفیع

می‌رسد. خیابان اصلی به سمت شمال امتداد یافته است، ولی بر خلاف آنچه نویدی می‌نویسد، خیابانی در حاشیه باغ در نقشه وی دیده نمی‌شود. در اینجا نیز نویدی با رویکردی استعاری به باغ نگریسته و خیابان متصور در ذهن او در حاشیه باغ همچون حاشیه‌ای در کتاب شعر بیان می‌کند.

آمده از خلد بساطی بسیط- بر وی از اطراف خیابان محیط

شکل خیابان ز یمین و یسار- حاشیه‌اش گشته به نقش و نگار (همان)

او خیابان‌های اصلی که در نقشه کمپفر دیده می‌شود، (تصویر ۶) را چنین توصیف می‌کند:

عرصه این روضه عشرت مدار- تخته نردیست به نقش و نگار

گشته دو سطح متقاطع دو چار- چار خیابان ز دو سطح آشکار (همان)

پیدا است شاعر این سطوح را عمود بر سطح زمین متصور کرده است و در تقاطع این دو خیابان به قائمه تاکی اشاره می‌کند:

در وسط باغ به وضعی سعید- گشته یکی سطح مربع پدید

قائمه تاکی سرافراخته- سایه به هر کنج وی انداخته (همان، ص ۳۶)

او در توصیف خانه شاهی (G یا ارشی خانه از واژه چهار سوی بهره می‌گیرد. بنایی با طرح چهار ایوانی که فضای مرکزی آن با چهارایوان به سوی باغ باز شده و با گنبدی پوشیده شده. معنای واژه چهار سوی به معنای چهار جهت است، ولی این عبارت مفهوم مهمی را در بردارد که سیستم جهت‌ها و مرکزی که از آن ناشی می‌شود را تعریف می‌کند.

جهت‌های چهار سوی به جهت‌های اصلی، که بر سطح افقی قرار دارند، محدود نمی‌شود و باید به محور عمودی در تقاطع دو سطح توجه کرد. نویدی ابتدا بر این جهت (محور عمود بر سطح زمین) با وصف قائمه تاکی در گوشه‌های حوض مربع، در تقاطع دو خیابان اصلی اشاره می‌کند و سپس در وصف ارشی خانه بر آن تاکید می‌کند.

حوض مربع که در این خانه است- مرکز این خانه شاهانه است

چار ستون نصب بر اطراف حوض- عکس نما در دل شفاف حوض

نورفشان بام ز گل جام وی- روی نما مهر و مه از بام وی (همان، ص ۳۶)

صورت این ستونها در دل روشن حوض منعکس شده و نور از دوازده روزن گل جامش، که دوازده برج آسمان را فرا می‌خوانند، فرو می‌ریزد: از ده و دو پنجره‌اش روشنی- بر ده و دو برج فلک مبتنی

بر سر هر پنجره جامی چو مهر- سر خوش از آن جام شده نه سپهر

سقف و کنارش همه پر نقش و زیب- حوض ز عکس‌اش شده مانی فریب (همان، ص ۳۷)

بدین سان حوض آینه‌ای می‌شود که بازتابی است از عالم وجود و محور عمودی که از حوض زمینی شروع می‌شود به عالم بالا می‌رسد:

راست رهی از پی کسب و کمال- آمده از قبله به حد شمال

تا به سر حوض خطی مستقیم- کرده به عرضش خط دیگر دو نیم

گشته خیابان دگر زان میان- از حد مغرب سوی مشرق کشان (همان، ص ۳۶).

«قبله» همان جهتی است که مسلمانان به سوی آن نماز می‌گذارند و برای صوفی «حد شمال»، عالم ملکوت است. این همان عالم خیال است که صوفی قلبش را به سوی آن می‌گشاید. «شرق» جایگاه علم کامل و جایگاه چهارده معصوم است. آنها تجلی اسماء حسنی هستند و از طریق آنها می‌توان خدا را شناخت (کربن، ۱۳۹۱). راه رسیدن به آنها همان محور عمود رو به بالاست.

چهارده باغ در شرق خانه شاه به نام‌های امیران دربار را ذکر می‌کند و دوباره آنرا انعکاسی از شمار چهارده معصوم عالم ملکوت می‌بیند. همچنین وجود نه باغ در غرب ارشی خانه را انعکاسی از نه سیاره فلکی می‌داند.

چو افلاکش بود نه باغ معمور- همه با نام سرکارانش مشهور

نخستین روضه بهرام میرزاست- که از انواع گل‌ها عالم آراست (نویدی، ۱۹۷۴، ص ۵۰).

جهان خاکی یا جهان ادراکات حسی در دستگاهی پایین‌تر، عالم ملکوت را تکرار می‌کند و ورای آن عالم جبروت است که موضوع «معقولات» است (کربن، ۱۳۹۱). نظم باغ شاهی

بنا بر مرکز چهار سوی تعیین شده است، و آن بلندترین مکان در نظم چیزهایی خاکی است، یعنی جایگاه شاه. اهمیت فلسفی آئینه، چهار سوی و ذکر اعداد مقدس، همگی به باغ به عنوان عالم صغیر هستی اشاره می‌کند. به این صورت شاه می‌تواند در مرکز جهان نشسته و بر وضعیت وجودی جهت‌های آن مسلط باشد. بنابراین باغ مویده آن است که شاه سایه خداست. میدان نیز صحنه‌ایست برای اسب‌دوانی و چوگان‌بازی،

برافراشتن چادر کوچ‌نشینان و گذری است برای ورود به باغ شاهی، مسجد جمعه و بازار نو. نویدی گردشی همراه با شاه را در داخل باغ حرم وصف می‌کند که به درگاه کنار این میدان ختم می‌شود و از بالای آن، او و شاه می‌توانستند از غرب تا شرق را نظر کنند و رمزهای آسمان نهم را دریابند. این میدان به نام میدان اسب (شماره ۱) در مقابل باغ شاهی و شمال مسجد حیدریه قرار دارد و جهتی شرقی- غربی دارد (تصویر ۵).



نمودار ۳. رویکرد استعاری در توصیف عناصر کالبدی باغ سعادت آباد در شعر عبیدی بیگ؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس توصیفات عبیدی بیگ.

نویدی میدان جدید، یعنی میدان سعادت را که در غرب باغ شاهی و در جنوب شرقی آن بازار بود و مراسمی که در آنجا برپا شد را توصیف می‌کند. ماجرای خوشامدگویی سلطان بایزید و جشن برپا شده برای او در میدان و همچنین داستان آمدن شاهزاده روم و برپا کردن خیمه و بارگاه مصور منقوش و شاه سخاوتمندی را توصیف می‌کند که شاهزاده‌ای بر پای او می‌افتد و شاه او را در آغوش می‌کشد. به این ترتیب میدان عرصه است جهت

نمایش قدرت شاه. این میدان (شماره ۹) در غرب عالی‌قاپو بود و دسترسی به بازار و باغ شاهی داشت (تصویر ۵).

میدان و دولتخانه صفوی در اصفهان، سیطره نمادین حضور شاه

محققین بسیاری تا به حال سعی در خوانش طرح میدان و دولت‌خانه صفوی در اصفهان داشته‌اند. گویی آندره گدار نخستین محقق اروپایی بود که

کوشید انگیزه‌ها و ذهنیتی را که در پس طرح‌های ساختمانی شاه عباس بود را تبیین کند. او به این نتیجه رسید که دو برنامه ساخت و ساز جداگانه در کار بوده است. او مرحله اول را مرحله عملیات تاسیس یعنی کارهای لازم برای انتخاب اصفهان به پایتختی شامل دولت-خانه و محوطه میدان و تفرجگاه شاهی می‌داند و مرحله دوم را مرحله شکوه می‌نامد که شامل اجرای طرح‌هایی چون مسجدشاه که به نظر او برای تجلیل حکومت صفوی در زمان شاه عباس لازم بود می‌داند (مک چسنی، ۱۳۸۵، ص ۴۷).

اوژینو گالدیری نیز بر مبنای شواهد باستان شناختی به این نتیجه رسیده که میدان در دو مرحله جداگانه ساخته شده است. در مرحله نخست (۱۰۱۳-۱۰۰۸ ه.ق.)، دیوار پیرامون میدان را به بلندی یک اشکوب برافراشتند. در پس این دیوار، حجره‌هایی بود متصل به نمای بیرونی و رو به بازار پشت میدان. درون دیوار خالی بود. بعداً در مرحله دوم احداث (قبل از ۱۰۲۶ق)، حجره‌های رو به میدان را در درون دیوار افزودند (گالدیری، ۱۳۶۱، ص ۱۰۴). او معتقد است معماری دوره صفوی دارای خصلت نمایشی می‌باشد. نقاط گریز طاق نما و دهانه متقاطع طاقتها و انعکاس دیوارها در سطوح آب، تمام این عوامل، فضایی را بوجود می‌آورد که نمی‌توان بطور آزاد در آن حرکت کرد، بلکه حرکات تنها طبق یک نقشه مشخص شده‌ای انجام می‌گیرد. از این مفاهیم نمایشی که بیننده به جای پرسپکتیوهای مشخص و اجباری می‌تواند آنچه را که برای او به معرض نمایش گذاشته شده، کشف نماید، میدان بدون شک موفق‌ترین و کاملترین تجربه در این مورد بحساب می‌آید. میدان معرف و بیانگر «اصفهان جدید» شهر شاه عباس است. مهمانان پس از ورود به اصفهان در یکی از سه کاروانسرای شاهی که در اطراف میدان قرار دارد سکنی می‌گزیدند. هر سه این کاروانسراها در ضلع شمال غربی متمرکز شده‌اند و از سر درب بازار شاهی بوده که خارجیان اولین بار به مشاهده شهر صفوی موفق می‌شدند. بنابراین شاه موقعیت خوبی برای ارائه و گسترش بیشتر پرسپکتیو در

دست داشته. با ایجاد این نظام معماری ساده و مؤثر است که میدان طولانی‌تر به نظر می‌آید و محور دید میدان به عقب کشانده می‌شود؛ یعنی محور عالی‌قاپو و مسجد شیخ لطف‌الله به عقب برده شده تا در نگاه بیننده از سردر بازار میدان طولانی‌تر جلوه کند (همان، صص ۱۰۵-۱۰۷).

توصیفات که در متون تاریخی در ذکر وقایع و چگونگی حضور شاه در میدان است، نیز مبین اهمیت کارکرد نمایش قدرت در میدان می‌باشد و می‌توان پی برد که شکوه میدان مهمترین مساله مورد توجه شاه عباس بوده است: «و اول ماه ربیع الاول سنه اثنی و الف، پانزده هزار پیاده مقرر به دستور معهود، از موضع دولت آباد تا دروازه طوقچی دو رویه، به ترتیبی که قرار یافته بود، در صف بازداشتند و نواب کامیاب را میل شد که بار دیگر سان پیاده‌ها بگیرد و آن جماعت لباس الوان مجدد بهم رسانیده در میدان مجتمع گردیدند و نواب امر فرمود که تمامی به میدان، در باغ نقش جهان آیند و به ترتیبی که مقرر بود صف کشند. پس از آن نواب معلی جناب از دولتخانه همایون به میدان تشریف آورده، با نواب رکن السلطنه فرهاد خان و بعضی دیگر از خاصان پیاده گرد میدان برآمد. بعد از آن بر بام مدرسه خواجه ملک مستوفی که در مقابل باغ نقش جهان واقع است، برآمده به دولت و اقبال بر بساط کامرانی و اجلال نشست و تماشای وضع پیاده‌ها کرده...» (افوشته‌ای نظنزی، ۱۳۵۰، صص ۵۳۴-۵۳۹). در جایی دیگر در ذکر کیفیت آذین‌بندی و چراغان در سنه ۱۰۰۴ ه.ق. به مراسم باشکوهی در میدان و مقدمات آن توسط الپان بیگ اشاره شده: «به جهت آن تمامی دیوارها و بناهای عماراتی که بر حواشی میدان است، پست و بلند آن را مساوی ساخته و سفید کرده، نقاشان بهزاد قلم و مصوران صورت نگار مانی‌رقم، صور جمیع مخلوقات عجیبه و موجودات غریبه بر آن نقش کردند». اجرت استادان و مهندسان و مخترعان و خرج پانزده هزار پیاده که هر نفر را سوای یراق و لباس یک تومان خرجی داده بودند، به قریب بیست هزار تومان ذکر شده است. (همان، صص ۵۷۳-۵۷۹).

نتیجه گیری و جمع بندی

مطالعه ریشه های نظری رابطه تعاملی قدرت و اعمال کنترل در گفتمان فضا در اندیشه ها و نظریات اندیشمندانی چون فوکو، بوردیو و لوفور نشان داد که چگونه فرم های ساخته شده معماری به عنوان واسطه هایی برای اعمال قدرت عمل می کنند. از سوی دیگر مطالعه متون تاریخی درجه اول نیز در رابطه با دیدگاه پادشاهان صفوی در احداث میدان و دولت خانه های آن دوران نشان داد که ایجاد فضای باز و وسیعی همچون میدان، به عنوان یک جلوخان برای باغ سلطنتی، مفهومی مهم را دربردارد. این فضا، علاوه بر عملکردهای نمایش و مراسم بازی، محلی برای تجمع مستقیم سیاسی و نمایش قدرت شاه و مشروعیت و حقانیت سلطنت محسوب می شود و احداث آن با استقرار دولت متمرکز و تعریف شدن مفهوم ملت نیز، بی ارتباط نیست. در تبریز دوره صفوی متون تاریخی بیان گر اهمیت باغ- مزارها و احداث اینبه سلطنتی در جوار آن است. همجواری میدان سلطنتی با باغ مزار درویشان موید رابطه باور معنوی و قدرت است و می تواند مشروعیت شاه را از طریق الوهیت او تایید کند. توصیفات عابدی بیگ در رابطه با میدان و باغ شاهی در قزوین نیز نشان می دهد، شاعر ورای کالبد دقیق فیزیکی به باغ می نگرد و با طرح آن ها از دیدگاه استعاره برخورد می کند و فراتر از توضیح طرح باغ، سعی دارد که باغ را به مثابه عالم صغیر و شاه را سایه ای از خدا در این عالم معرفی کند. ارشی خانه یا خانه شاهی در مرکز این عالم قرار دارد و شاه در مرکز چهارسوی بر جهات عالم تسلط دارد. توصیف محور عمود به بالا و حد شمال، نیز تاییدی بر الوهیت جایگاه شاه است. میدان و دولت خانه اصفهان نیز چنان که در متون توصیف می گردد، تحت سیطره نمادین حضور شاه است. مطالعه نمونه های مذکور، تفسیری از رابطه تعاملی فضای عمومی و قدرت متمرکز است. میدان در جوار باغ سلطنتی واسطه ای است بر اعمال قدرت روی مردم و چشم اندازهای شهر صفوی.



تصویر ۷. نقشه محوطه دولت خانه و سردرهای سلطنتی در غرب میدان؛ مأخذ: برینیولی، ۱۳۸۵، ص ۶۲.

مطالعه متون تاریخی نشان می دهد؛ میدان و خیابان، هر دو تحت سیطره نمادین حضور شاه اند. میدان شاه به همان اندازه که مکانی عمومی بود، نقش معبر ورودی کاخ (جلوخان کاخ) را نیز ایفا می کرد. شاه در این میدان و توسط عالی قاپو به هنگام برنامه هایی چون مسابقات چوگان، اجرای حکام در ملا عام یا جشن های مذهبی وارد ارتباط با مردم می شد. مجموعه شاهی، علاوه بر عمارت عالی قاپو، سردرهای دیگری نیز در جانب غربی میدان داشت: سردر مشرف به بازار مسگرها در شمال عالی قاپو، سردر حرم در جنوب عالی قاپو، سردر مطبخ شاهی در گوشه جنوب غربی میدان (تصویر ۷). بنابراین تمامی نمای غربی میدان، نمایی سلطنتی بود. اجرای مراسم و آیینها در میدان، سیاست شاه برای نمایش قدرتش بود. مراسم چوگان و قبق اندازی، چنانکه در شاهنامه توصیف شده، نشانه های دلاوری شاه بودند و میدان مکانی برای نمایش دلاوری شاه. همه این مراسم بر «گردش نگاه» میان شاه، ملازمان و رعایایش و مردم عادی استوار بود. میدان مکانی بود برای دیدن و دیده شدن. این مراسم و آیینها، همگی ریشه ای کهن داشته، مربوط به پادشاهان ایران باستان بودند؛ و اجرای آنها حقانیت پادشاهی را تثبیت می کرد.

ماخذ و منابع

۱. افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله (۱۳۹۴)، «نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار»، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲. انصاری، مجتبی (۱۳۷۸)، «ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی- اصفهان)»، رساله دکتری، رشته معماری، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
۳. استروناخ، دیوید (۱۳۸۲)، «شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغ سازی ایران»، ترجمه کامیار عبدی، فصلنامه اثر، شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۵۴-۷۵.
۴. اوا سابتلی، ماریا (۱۳۸۷)، «باغ ایرانی: واقعیت و خیال»، ترجمه داود طبایی، فصلنامه گلستان هنر، شماره ۱۲، صص ۱۶-۲۹.
۵. بانی مسعود، امیر (۱۳۸۴)، «باغ صاحب‌آباد تبریز»، فصلنامه باغ نظر، شماره ۴، صص ۳-۱۲.
۶. برینیولی، ژان (۱۳۸۵)، «بینش شاه عباس: شهرسازی سلطنتی اصفهان»، ترجمه داود طبایی، فصلنامه گلستان هنر، شماره ۵، صص ۶۰-۷۲.
۷. بیلان اصل، لیدا و دوستار، فهیمه (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر مزارات در توسعه ساختار شهری شهر تبریز از دوره ایلخانی تا صفوی»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۸، صص ۶۵-۸۸.
۸. ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۲)، «تاریخ عالم‌آرای عباسی»، تصحیح ایرج‌افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. حیدرنتاج، وحید (۱۳۸۸)، «باغ‌های سمرقند»، فصلنامه منظر، شماره ۱، صص ۱۰-۱۳.
۱۰. حناچی، پیروز و نژاد ابراهیمی، احد (۱۳۸۵)، «بازخوانی میدان صاحب‌آباد از روی تصاویر شاردن و مطراق‌چی»، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، صص ۳۵-۴۴.
۱۱. خوجم لی، عبدالوهاب؛ احمدی‌پور، زهرا؛ حافظ‌نیا، محمد رضا و پورجعفر، محمد رضا (۱۳۹۵)، «تبیین ژئوپلیتیک منظر شهری؛ رابطه قدرت و سیاست با نمادسازی شهری»، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، شماره ۳، صص ۱-۲۸.
۱۲. عالمی، مهوش (۱۳۹۰)، «باغ‌های تبریز»، ترجمه سولماز حسینیون، فصلنامه بن، زمستان ۱۳۹۰، صص ۹۵-۱۱۴.
۱۳. قمی، قاضی احمد (۱۳۶۷)، «خلاصه التواریخ»، به کوشش احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. کربلائی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۳۵)، «روضات الجنان و جنات الجنان»، تصحیح سلطان قرائی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۵. کرین، هانری (۱۳۹۱)، «ارض ملکوت: کالبد رستاخیزی انسان از ایران مزداپی تا ایران شیعی»، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، نشر سوفیا.
۱۶. گالدیری، اوژینو (۱۳۸۶)، «کاخهای اصفهان»، ترجمه محمدتقی فرامرزی، اصفهان در مطالعات ایرانی، تهران، نشر مرکز.
۱۷. مطراق‌چی، نضوح (۱۳۷۷)، «بیان منازل»، ترجمه رحیم رئیس‌نیا، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۸. مک‌چسنی، رابرت دی (۱۳۸۰)، «چهار منبع درباره ساخته‌های شاه‌عباس»، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، فصلنامه گلستان هنر، شماره ۶، صص ۴۶-۷۵.
۱۹. مولف گمنام (۱۳۶۴)، «عالم‌آرای صفوی»، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۰. نویدی، عبدی‌بیگ شیرازی (۱۹۷۴)، «کلیات نویدی»، نسخه خطی شماره ۲۴۲۵، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
۲۱. ویلبر، دونالد (۱۳۸۴)، «باغ‌های ایران و کوشک‌های آن»، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
۲۲. هروی، قاسم بن یوسف (۱۳۴۶)، «ارشاد الزراعه»، به اهتمام محمد مشیری، تهران، دانشگاه تهران.

23. Alemi, M. (2009). The Garden City of Shah Tahmasb Reflected in the Words of His Poet and Painter. Stephen Bann (Ed). Interlacing Words and Things: Bridging the Nature-Culture Opposition in Gardens and Landscape. Dumbearton Oaks: Harvard University Press.
24. Czepczynski, M. (2008). Cultural Landscapes of Post-Socialist Cities: Representation of Powers and Needs. Poland: Ashgate Publishing Company.
25. Czepczyński, M. (2010). Interpreting post-socialist icons: from pride and hate towards disappearance and/or assimilation. Poland: Human Geographies.
26. Dovey, K. (2001). Memory, Democracy and Urban Space: Bangkok's `Path to Democracy. Journal of Urban Design, Vol. 6, No. 3, pp.265282-.
27. Dovey, k. (2002). Framing place: Mediating power in built form. London: Routledge.
28. Geciene, I. (2002). The Notion of Power in the Theories of Bourdieu, Foucault and Baudrillard. Sociologija, No.2, pp.116125-.
29. Jacobs, A.J. (2008). Political Power, Collective Memory, and American Central Cities: The Discourses of the Conservative Elite's Counter-Memory of the City. The Open Urban Studies Journal, No.1, pp.25-34.
30. Wirth, E. (1997). Qazvin-safavidische Stadtplanung und Qadjarischer Bazar. Archäologische Mitteilungen Aus Iran Und Turan, No.29, pp.464-504.

